

نگاهی به امنیت در آموزه‌های اسلامی

- رضا وطن‌دوست^۱
- پژوهشگر دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چکیده

امنیت، سنگ زیربنای حیات فردی و اجتماعی بشر است و در فرهنگ متعالی اسلام اهمیتی بالا و جایگاهی والا دارد، از این رو آنگاه که مکتب حیات‌بخش اسلام از امنیت و برقراری آن در جامعه سخن گفته است، آن را زمینه‌ساز رشد معنوی، پیش شرط توسعه اقتصادی و مایه خوداتکایی سیاسی معرفی کرده است. با این باور که این مکتب، امنیت را از حقوق مسلم انسان و نیازهای اولیه او دانسته و در تأمین آن راهکارهایی کارآمد ارائه نموده است، این پژوهش می‌کوشد تا با هدف آشنایی با این موهبت الهی و برخورداری عموم از آن در زندگی فردی و اجتماعی خود، گامی در شناسایی این ضرورت بردارد و با استفاده از آموزه‌های اسلامی، تصویری روشن از امنیت در اسلام و نیز راهکارهایی مؤثر در تحقق و گسترش آن در جامعه ارائه نماید. واژگان کلیدی: قرآن، امنیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی.

پیشگفتار

انسان بر حسب ساختار زندگی اجتماعی ناگزیر از تعاون و تعامل دو سویه با دیگر افراد است. این ساختار در صورتی تداوم می‌یابد که هر کس بتواند به دور از هرگونه بیم و هراس، به زندگی فردی و اجتماعی خود ادامه دهد و با امید به آینده، در زمینه‌های مختلف زندگی سرمایه‌گذاری نماید. از این‌رو باید گفت: یکی از نیازهای اولیه و ضروری جوامع بشری «امنیت» است.

قرآن که همواره دغدغه تأمین این نیاز را برای بشر داشته و دارد برای حفظ امنیت، راهکارهای سازنده و کارآمد ارائه کرده است که نیازمند تحقیق و درنگ است تا با کشف و ارائه راهکارهای امنیتی، بر اساس آموزه‌های قرآنی، زمینه برقراری امنیت کامل در سطوح مختلف زندگی بشر فراهم شود و با اجرای راهکارهای ارائه‌شده، زمینه تحکیم و نهادینه شدن امنیت در عرصه‌های مختلف زندگی فراهم گردد. این جستار، تلاشی در جهت کشف راهکارهای امنیت در آموزه‌های اسلامی است، از این‌رو پس از مباحث مقدماتی، به قلمرو امنیت و ارائه راهکارهای امنیتی در حوزه‌های امنیت فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیت مرزها پرداخته است.

۱. مفهوم‌شناسی

کلمه «امنیت» در ادب و لغت پارسی مصدر جعلی به معنای آسایش، سلامت، ایمن شدن، در امان بودن، آسودگی، بی‌هراسی و بی‌گزندی است و در لغت تازی به معنای سکون القلب، طمأنینه النفس و زوال الخوف است (ر.ک: معین، ۱۳۶۰: ۳۵۴/۱؛ دهخدا، ۱۳۳۰: ۲۸۹۴/۱؛ عمید، ۱۳۶۹: ۲۳۳/۱؛ پرتو، بی‌تا: ۲۲۶/۱؛ فیومی، ۱۹۸۷: ۲۴؛ راغب، بی‌تا: ۲۵؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ۲۱/۱۳).

ایمان نیز از این ماده، به معنای قرار دادن خود و دیگران در امن و آسایش است. امن و آسایش خود به این دلیل است که مؤمن با پذیرش ایمان، خود را از عذاب الهی حفظ می‌کند: «إِنَّمَا سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا لِأَنَّهُ يُؤْمِنُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲/۶۷)؛ و اما اینکه دیگران در آسایش‌اند به این سبب است که جان، مال و حیثیت مردم از سوی مؤمن تهدید نمی‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَلَا أُنَبِّئُكُمْ لِمَ سُمِّيَ

المؤمن مؤمناً؟ لإيمانه الناس على أنفسهم و أموالهم» (همان: ۶۰)؛ «آیا آگاهتان نکند که چرا مؤمن، مؤمن نام گرفت؟ از آن‌رو که جان و مال مردم از او در امان است.» لازم به یادآوری است، افزون بر ماده «امن» که بر امنیت دلالت می‌کند هر یک از واژه‌های «صلح و صلاح»، «سلیم و سلام»، «سکینت» و «طمأنینه» نیز بر بخشی از امنیت اشاره دارند که به دلیل پرهیز از طولانی شدن سخن، بحث از این واژگان را به مجالی دیگر وا می‌نهمیم.

۲. جایگاه و اهمیت

امنیت که سنگ زیربنای حیات فردی و اجتماعی بشر است، در قرآن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ تا آنجا که امنیت را، پیش شرط توسعه اقتصادی، زمینه‌ساز رشد معنوی و مایه خوداتکایی سیاسی معرفی کرده است.

قرآن در این باره که رفاه و شکوفایی اقتصادی و امدار برقراری امنیت است می‌فرماید: «و ضرب الله مثلاً قرية كانت آمنة مطمئنة يأتيها رزقها رغداً من كل مكان» (نحل/ ۱۱۲)؛ «خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود و روزی‌اش از هر سو می‌رسید. و در جای دیگری می‌فرماید: «إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا و آرزق أهله من الثمرات» (بقره/ ۱۲۶)؛ «چون ابراهیم گفت: پروردگارا، این سرزمین را شهری امن گردان و مردمش را از فراورده‌ها روزی بخش.»

همان‌طور که روشن است قرآن کریم در این آیات، برقراری امنیت را پیش شرط فراخی روزی معرفی می‌کند (طباطبایی، بی‌تا: ۳۶۲/۱۲)؛ چرا که با برقراری امنیت، انسان به سرمایه‌گذاری و تولید راغب می‌گردد و با سرمایه‌گذاری و تولید، کالاها فراوان و قیمت‌ها ارزان می‌گردد. بدیهی است که این فرایند، شکوفایی اقتصادی را در پی دارد.

قرآن کریم در این باره که رشد معنوی نیز در سایه امنیت ممکن است می‌فرماید: «فَإِذَا أُمْتَمْتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ» (بقره/ ۲۳۹)؛ «آنگاه که ایمن شدید خدا را یاد کنید.» «فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (نساء/ ۱۰۳)؛ «آنگاه که آسوده‌خاطر شدید نماز را [به طور کامل] به پا دارید.»

این کتاب آسمانی که امنیت را امری ضروری می‌داند، در ضرورت حفظ امنیت، با تمامی امنیت‌ستیزان داخلی (ر.ک: مانده / ۳۳) و خارجی (ر.ک: بقره / ۱۹۰-۱۹۳) - به مقابله برخاسته و در برخورد با آنان دستوراتی کوبنده صادر کرده است.

بدین‌سان روشن است، امروز بیش از پیش و بیشتر از هر چیزی، ضرورت طراحی جامعه‌ای امن بر پایه روابط دینی و فرهنگی و مناسبات سازگار سیاسی و اقتصادی، همگان را به یاری می‌طلبد؛ زیرا تنها در سایه امنیت استعداد‌های بشری در عرصه‌های فکری، فرهنگی و اقتصادی شکوفا شده و دستمایه‌های فکری و مالی حفظ می‌گردد.

۳. پیشینه امنیت

دغدغه امنیت، قدمتی به وسعت تاریخ بشر دارد، زیرا در طول تاریخ، کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که فارغ از دغدغه امنیت، روزگار خود را سپری کرده باشد. مطالعه در گذشته تاریخ، این واقعیت غیر قابل انکار را روشن می‌کند که بشر از آغاز تا کنون، سخت متقاضی امنیت بوده و هست؛ از این‌رو، همواره در قالب استراتژیهای مؤثر، سعی در تحصیل آن داشته است. ساختن خانه، دژ، پناهگاه، بسیج نیرو و حتی نبردهای خونین، همه نشانگر تلاش بشر برای دستیابی به امنیت است.

در پی تأمین این نیاز دیرینه است که انسان به تشکیل دولت و قدرت مرکزی علاقمند شده و با این که انسانها می‌دانستند، قدرت مرکزی آنها را در تنگناهای اجتماعی، سیاسی و آزادیهای فردی و جمعی قرار می‌دهد، در عین حال به پذیرش چنین قدرتی رضایت دادند (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۱۵۹/۲)؛ زیرا تنها در سایه تشکیل دولت است که می‌توان جان و مال خود را در برابر تجاوز بیگانگان و شورش حرامیان حفظ کرد و امنیت نسبی برقرار ساخت.

امام علی علیه السلام در بیان فلسفه حکومت و رابطه آن با امنیت می‌فرماید:

مردم به زمامداری نیکو کار یا تبه‌کار نیازمندند تا در سایه او بیت‌المال فراهم آید، با دشمنان پیکار شود، راهها امن گردد و حق ناتوان از توانایان زورگو بازپس گرفته شود (تهج البلاغه: ۱۲۵).

قرآن با یادآوری امنیت‌خواهی ابراهیم و طرح داستان ذوالقرنین، گوشه‌ای از پیشینه

امنیت را گزارش کرده است، جناب ابراهیم که در حدود دو هزار سال پیش از میلاد می‌زیست (ر.ک: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۴۹۷/۲)، پیش از آن که شهری به نام مکه بی‌ریزی شود برای آن شهر و سکنه آن درخواست امنیت و زندگی توأم با آرامش کرد: «رب اجعل هذا بلداً آمناً» (ابراهیم / ۲۵)؛ «پروردگارا، این شهر را ایمن گردان».

قرآن درباره تدبیر امنیت آفرین ذوالقرنین، چنین آورده است: گروهی ضعیف که از حملات ایدایی یا جوج و مأجوج (ر.ک: طباطبایی، بی‌تا: ۱۰۳/۱۳؛ خزانلی، ۱۳۷۱: ۶۶۳) به ستوه آمده بودند، شکایت به ذوالقرنین بردند. او که مردی صالح، مدبر و قدرتمند بود، به ساختن سدّی محکم و نفوذناپذیر دستور داد تا بدین وسیله، از تجاوز دشمن جلوگیری شود (ر.ک: کهف / ۹۴-۹۷).

بالاخر از آنچه گذشت این نکته است که قرآن کریم، امنیت و آرامش را از اهداف پیامبران دانسته، می‌فرماید: «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید / ۲۵)؛ «به راستی پیامبران خود را با دلایلی آشکار روانه کردیم و با آنها، کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند».

۴. هدف یا وسیله بودن امنیت

در این جا، از طرح این سؤال ناگزیریم که آیا امنیت هدف است و موضوعیت دارد؟ یا وسیله‌ای است که دستیابی به دیگر خواسته‌های انسان را آسان و ممکن می‌کند؟

هر چند در بینشهای مادی، امنیت مانند آزادی هدف است، لیکن در تلقی قرآن، نه هدف که وسیله است، زیرا قرآن برقراری امنیت را از آن‌رو لازم می‌داند که در سایه آن، دستورات الهی اجرا گردد و ارزشها گسترش یابد. آیات زیر گویای این مطلب است:

۱. در اینکه آیا منظور از «ذوالقرنین» پادشاه وقت چین به نام «شین هوانگ» است که در حوالی قرن سوم پیش از میلاد می‌زیست و یا یکی از ملوک آشور بوده که در حوالی قرن هفتم قبل از میلاد حکمرانی می‌کرد، یا اسکندر مقدونی است که در سال ۳۲۳ قبل از میلاد وفات یافت؛ و یا کوروش کبیر از ملوک هخامنشی است که بین سالهای ۵۳۹-۵۶۰ پیش از میلاد برمان‌روایی می‌کرد و یا... در این باره که ذوالقرنین کیست؟ (ر.ک: طباطبایی، بی‌تا: ۳۷۸/۱۳؛ خزانلی، ۱۳۷۱: ۳۱۳-۳۳۰؛ اعلمی، ۱۳۱۳: ۳۸۱/۳).



۱- «فَإِذَا أَمْتَمْتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ» (بقره/ ۲۳۹).

۲- «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَاْمَنًا وَاَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ اِبْرَاهِيْمَ مِصَلًّى وَّعٰهَدْنَا اِلٰى اِبْرَاهِيْمَ وَاِسْمٰعِيْلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِيْنَ وَاَلْعٰكِفِيْنَ وَاَلرُّكَّعِ السُّجُوْدِ» (بقره/ ۱۲۵).

۳- «وَ لِيُبَدِّلْتَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمَنًا يَعْبُدُوْنِيْ لَا يَشْرِكُوْنَ بِيْ شَيْئًا» (نور/ ۵۵). همان طور که روشن است در این آیات، یاد خدا، پرستش او و آماده سازی کعبه برای طواف، همه مبتنی بر برقراری امنيّت است.

این را نیز بیفزاییم که نه تنها برقراری امنيّت ظاهری و برونی وسیله ای برای گسترش ایمان و زمینه ساز احیای ارزشهاست که آرامش معنوی و درونی نیز، مقدمه فزونی ایمان در دل های اهل ایمان است، چنانکه خداوند فرمود: «هُوَ الَّذِيْ اَنْزَلَ السِّكِيْنَةَ فِيْ قُلُوْبِ الْمُؤْمِنِيْنَ لِيُزَادُوْا اِيْمَانًا مَّعَ اِيْمَانِهِمْ» (فتح/ ۴) «اوست که در دل های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند».

۵. نفی مطلق انگاری امنيّت

یکی از معضلات جوامع بشری، نگرشهای ناصحیح و برداشتهای غیر کارشناسانه از مفاهیم سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و دینی است که گاه با برداشتهای نادرست، مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. از جمله این مفاهیم، مسئله امنيّت است که ممکن است مانند آزادی، مورد استفاده نادرست قرار گیرد و با یکسونگری، تنها به آن دست از منابعی که به امنيّت و آسایش عمومی مردم توجه دارد، استدلال شود و از دیگر منابعی که به سبب با اختلال گران نظم، دستور داده است غفلت گردد. لیکن انصاف این است که مکتب اسلام، هرگز یکسونگری و مطلق انگاری را در چنین مفاهیمی بر نمی تابد؛ زیرا در بینش اسلامی امنيّت تا آنجا محترم است که به سلب آسایش و امنيّت دیگران نینجامد؛ از این رو قرآن کریم، افزون بر آن که به برقراری امنيّت در جامعه تأکید کرده و حفظ آن را امری ضروری می داند، گاه به برهم زدن امنيّت اختلال گران نظم نیز سفارش کرده است. از این رو اگر در نگاه قرآن، تجاوز به جان مردم، امری مردود و ناپسند است (ر.ک: اسراء/ ۳۳)، حکم قصاص نیز که نوعی سلب امنيّت جانیان آدم کش است، از نگاه قرآن دور نمانده است که فرمود: «ای

خردمندان، برای شما در قصاص، زندگانی است» (بقره/ ۱۷۹).

و اگر قرآن از تجاوز ظالمانه به اعتبار و حیثیت مردم منع کرده است (ر.ک: حجرات/ ۱۱-۱۲) این حق را برای ستمدیدگان نیز منظور داشته است که بتوانند، حقوق از دست رفته خویش را باز یابند، هرچند که این، به بدگویی و افشای ستم کاران نینجامد: «خداوند بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد مگر از کسی که بر او ستم رفته است» (نساء/ ۱۴۸).

و اگر قرآن درباره پناه دادن به دو گانه پرستان پناه جو و حفظ امنيّت آنان، نظری مساعد دارد (ر.ک: توبه/ ۶)، درباره دو گانه پرستان امنيّت ستیز نیز، دستوری قاطع و بازدارنده داده است: «با آنان بجنگید تا دیگر، فته ای نباشد و دین، مخصوص خدا گردد» (بقره/ ۱۹۳).

و اگر در آموزه های اسلامی، از ضایع ساختن حق دیگران نهی شده است (ر.ک: بقره/ ۱۸۷)، از دیگر سو، احقاق حق و استرداد اموال زیان دیده، از راه تقاص، مجاز شناخته شده است (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۱۲/۲۰۴).

سبب آنکه قرآن و دیگر آموزه های اسلامی به برهم زدن امنيّت گران نظم، دستور داده اند، این است که اگر در برابر تجاوز و تباهی، سکوت شود آرامش و امنيّت، تهدید می شود و تباهی، زمین را فرا می گیرد، چنانکه قرآن فرمود: «اگر خداوند، برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد، به یقین زمین تباه می گشت» (بقره/ ۲۵۱). جالب این است که این آیه اعمال خشونت علیه اختلال گران امنيّت را نوعی فضل و رحمت خداوند می داند: «وَ لٰكِنَّ اللّٰهَ ذُوْ فَضْلٍ عَلٰى الْعٰلَمِيْنَ»؛ چرا که هرچند این رفتار بر ستمگران و فته جویمان تلخ و ناخوشایند است، لیکن از آن رو که از گسترش فساد و تباهی جلوگیری می کند و بستری مناسب برای تداوم حیات آدمی فراهم می سازد، فضل و رحمت به شمار می آید.

۶. قلمرو امنيّت

بشر که در گذشته دور به صورت قبیله ای در واحدهای کوچک اجتماعی زندگی می کرد، بیشترین تهدید و ناامنی را از ناحیه حمله دشمن و شیخون حرامیان



می‌دانست؛ از این رو امنیت را تنها در دفع این نوع تجاوز خلاصه می‌کرد و به تهیه ابزار متناسب با دفع این تهدید می‌پرداخت؛ لیکن امروزه، روابط اجتماعی انسان توسعه یافته و گستره مفهوم امنیت نیز از آنچه که نزد پیشینیان بوده، فراتر رفته است. درست به موازات همین گستره است که نیاز او به امنیت نیز گسترش یافته است؛ زیرا به هر میزان که روابط انسانها رو به گسترش باشد به همان اندازه، امنیت نیز گسترش می‌یابد و در کنار هر بخشی از روابط انسان، بخشی از امنیت قرار می‌گیرد. بدین سان روشن است، امروزه نیاز انسان به امنیت، تنها در امنیت نظامی خلاصه نمی‌شود بلکه امنیت فردی مانند امنیت جانی، حیثیتی، روحی، فرهنگی و اعتقادی و نیز امنیت در قلمرو اجتماع کوچک و بزرگ مانند امنیت خانواده و امنیت روابط اجتماعی در جامعه، همه از خواسته‌ها و نیازهای انسان به شمار می‌آید. بنابراین، لازم است نیاز انسان به امنیت، هم در واحدهای اجتماع - از جوامع قبیله‌ای و روستایی گرفته تا جوامع بزرگ شهری و از نظام کشوری تا نظام کلان جهانی - تأمین گردد. قرآن برای برقراری امنیت در جامعه و نهادینه شدن آن در ژرفای ذهن مخاطبان خود، اهمیت خاصی قائل شده است و با جهت‌دهی ثمربخش و ارائه راهکارهای کارآمد، نیاز انسان به امنیت را در عرصه‌های مختلف زندگی تدارک نموده است.

۱-۶. امنیت فردی

امنیت فردی از حقوق مسلم و طبیعی هر انسان است و بر همه لازم است که افزون بر حفظ امنیت فردی خود، از هرگونه تهدید امنیت دیگران پرهیز کنند. قرآن کریم برای حفظ امنیت فردی انسانها در حوزه امنیت جانی، حیثیتی، عقیده و امنیت روح و روان، حساسیت مضاعفی نشان داده و برای حفظ آن، راهکارهایی کارآمد ارائه کرده است.

۱-۱-۶. امنیت جانی

قرآن در تأکید حق حیات، هر نوع آدم‌کشی را مردود دانسته (ر.ک: انعام / ۱۵۱؛ اسراء / ۴۵)، زنده به گور کردن دختران را امری زشت و غیر انسانی معرفی کرده (تکویر / ۹ و ۱۰) و هم فرزندکشی را به بهانه مشکل معیشتی محکوم کرده است (انعام / ۱۵۱). قرآن برای تأمین و تدارک امنیت جان مردم، تدابیری کارساز و شیوه‌ای کارآمد

ارائه داده است؛ قصاص (بقره / ۱۷۹؛ مائده / ۴۵)، مجازات مالی (بقره / ۱۷۸؛ نساء / ۹۲) و کیفر اخروی (نساء / ۹۲) از جمله این تدابیر است.

امام سجاد علیه السلام در این باره که قصاص، حیات آفرین و عاملی مؤثر برای حفظ امنیت جانی است در ذیل آیه *«لکم فی القصاص حیاة»* می‌فرماید: حیات و زندگی در قصاص از آن روست که:

- ۱- قصاص، جان مظلومی را که قصد جان او شده است، حفظ می‌کند؛
- ۲- قصاص، جان شخصی را که قصد دارد دیگری را به قتل برساند، از انتقام و تقاص به مثل مصون می‌دارد؛
- ۳- قصاص از آن رو که مایه عبرت دیگران است، آنان را از ارتکاب آدم‌کشی باز می‌دارد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۴/۳۸۸).

۱-۶-۲. امنیت حیثیتی

مسلم است که انسان، افزون بر جسم و تن، از آبرو و اعتبار کسب‌شده نیز برخوردار است؛ اسلام که برای این بخش از حقیقت انسان، اعتباری ویژه قائل شده است، به آنها که در ترور شخصیت دیگران گستاخی می‌کنند هشدار داده و آن را نوعی اعلان مبارزه با خدا و عامل بیرون شدن از ایمان معرفی کرده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۱: ۲/۳۵۱-۳۵۴).

خداوند بزرگ که بندگان مؤمن خویش را عزیز (همان) و سرآمد موجودات دانسته است (ر.ک: منافقون / ۸)، هرگز رضایت نمی‌دهد که شخصیت آنان از سوی دیگران ترور شود، از این رو قرآن کریم برای حفظ کرامت انسان با عوامل ترور شخصیت، به مقابله برخاسته و راههای تهدیدکننده امنیت حیثیتی را مسدود کرده است؛ منع تجسس و عیب‌جویی (بینه / ۷)، منع غیبت و عیب‌گویی (حجرات / ۱۲)، پیشگیری از تحقیر و تمسخر (حجرات / ۱۱؛ همزه / ۱)، جلوگیری از به کارگیری القاب زشت و منع از تهمت و افترا (حجرات / ۱۲؛ نور / ۴) و مانند آن، از جمله این عوامل است.

۱-۶-۳. امنیت عقیده

امنیت عقیده و آزادی در مراسم دینی، از حقوق مسلم هر مسلمان است که لازم است از سوی دیگران، محترم شمرده شود. قرآن در تأکید بر ضرورت حفظ این

حق، از هر گونه تفتیش عقاید که امنیت آن را تهدید می کند منع کرده است و همگان را بر آن داشته است تا هر کس که ابراز ایمان کند، بدون تحقیق از درستی و نادرستی آن، او را به عنوان یک مؤمن و عضوی از جامعه کلان اسلامی بپذیرند: «به کسی که نزد شما اظهار ایمان کند نگویید که مسلمان نیستی» (نساء/ ۹۴).

قرآن کریم، آن دسته از مؤمنان را که احساس ناامنی کرده و نمی توانند به ابراز عقاید بپردازند، موظف کرده تا به محلی امن هجرت کنند و به دور از هر گونه تهدید، به ابراز عقاید و انجام مراسم دینی بپردازند: «کسی که در راه خدا هجرت کند جاهای امن فراوان و فراخی را در زمین می یابد» (نساء/ ۱۰۰).

قرآن در ترویج افرادی که در این باره کوتاهی کرده و هجرت نکرده اند می فرماید: «آیا سرزمین خدا فراخ نبود که بدانجا هجرت نمایید؟» (نساء/ ۹۷).

ضرورت هجرت به جای امن را باید از اصحاب کهف و مسلمانان صدر اسلام آموخت که آنان به محل امنی به نام غار پناه بردند (کهف/ ۱۰) و اینان از مکه به حبشه (نحل/ ۴۱) و سپس به مدینه هجرت کردند (انفال/ ۳۰؛ اسراء/ ۷۶).

اسلام برای پیشگیری از بروز هر نوع تردید در عقیده، با هر نوع عامل تهدید کننده عقیده مانند تحریف (نساء/ ۴۶) بدعت، خرافات (بهج البلاغه، خطبه های ۱۷ و ۲۲، حکمت ۴۰۰) و تفسیر نادرست آموزه های دینی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۲/ ۱۰۷-۱۱۲) به مخالفت برخاسته و در تکمیل این رسالت، مشاغلی مانند سحر، کهنات، شعبده بازی و حتی مجسمه سازی و تصویرگری را که ممکن است به وهن عقیده بینجامد، حرام کرده است (به ترتیب ر.ک: خوبی، ۱۴۱۲: ۱/ ۳۶۲، ۱۲۸، ۳۸۰، ۳۲۶).

مکتب اسلام، تنها امنیت عقاید مسلمانان را لازم نمی داند، بلکه اهل کتاب را پس از التزام به شرایط جزیه (نجفی، ۱۳۶۶: ۲۱/ ۲۸۲)، عضوی از جامعه اسلامی دانسته (بهج البلاغه، نامه ۵۳) و امنیت عقاید و مراسم دینی آنان را مانند جان، مال و ناموس آنها امری لازم می داند و حتی امنیت مشرکات پناه جو را نیز لازم دانسته است (توبه/ ۶).

۴-۱-۶. امنیت روح و روان

برخورداری از امنیت خاطر و سلامت روان، یکی دیگر از موارد امنیت در حوزه

امنیت فردی است. این نوع امنیت نیز از نگاه قرآن دور نمانده است؛ از این رو قرآن در تأمین این امنیت، نسخه های شفا بخش ارائه کرده است: ایمان به خدا، یاد او و داشتن تقوای الهی از جمله این نسخه های آرام بخش است که هر کدام در بازگرداندن آرامش به روح و روان آدمی، اعجازی شگرف دارند. قرآن در اشاره به اثر آرام بخش ایمان می فرماید: آگاه باشید که دوستان خدا، نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند، آنها کسانی اند که ایمان آورده و تقوا ورزیده اند (یونس/ ۶۲ و ۶۳).

قرآن در تأثیر یاد نام خدا بر دل های پرتلاطم آدمی می گوید: بدانید که با یاد خدا دلها آرام می گیرد (عد/ ۲۸)، همچنانکه در اثربخشی پروایشگی فرمود: آنان که پرهیزگاری پیشه خود کنند و به صلاح گرایند، نه بیمی بر آنهاست و نه آنان اندوهگین می شوند (اعراف/ ۳۵).

نسخه دیگری که در پایان این بخش، شایسته یادآوری است شفا بخشی خود قرآن است که انواع بیماری های روح و روان آدمی را درمان می کند، چنانکه خود فرمود: «و شفاء لما فی الصدور» (یونس/ ۵۷؛ نیز ر.ک: اسراء/ ۸۲؛ فصلت/ ۴۴).

۲-۶. امنیت اجتماعی

یکی از نیازهای طبیعی بشر در زندگی اجتماعی، برخورداری از امنیت لازم در روابط اجتماعی است. قرآن و دیگر آموزه های اسلامی برای تحکیم روابط اجتماعی و پیشگیری از هر گونه تهدید علیه این روابط، تدابیری امنیت آفرین پیشنهاد کرده است که بی گمان در صورت به کارگیری این تدابیر، امنیت لازم به جوامع بشری بازگشته و همگان به آینده ای روشن و توأم با آرامش امیدوار می گردند.

برخی از عواملی که به تأمین امنیت در روابط اجتماعی کمک می کنند عبارتند از:

۱-۲-۶. یگانگی و یکدلی

قرآن کریم در پیشگیری از بروز هر گونه اختلافی در جامعه اسلامی، همگان را به همگرایی و یکرنگی دعوت کرده، می فرماید:

همگی به ریسمان خدا چنگ زبید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را به یاد آورید، آنگاه که دشمن یکدیگر بودید و خدا میان شما الفت ایجاد کرد تا به لطف او

این آیه و شأن نزول آن (طبرسی، ۱۴۰۶: ۸۰۴/۲-۱)، این واقعیت شیرین را روشن ساخته که پیامبر اکرم ﷺ در پرتو نور ایمان توانست با دعوت به وحدت و همدلی، از قبایل کوچک و پراکنده، امتی بزرگ و نیرومند بسازد و آنها را که با جنگهای بنیان‌سوز، در معرض هلاکت بودند نجات دهد: «بر لب پرتگاهی از آتش بودید و خدا شما را از آن رهانید» (آل عمران/ ۱۰۳).

۲-۲-۶. خوش بینی

از آن‌رو که اصل خوش‌بینی، رایحه‌ای جانفزا در فضای زندگی اجتماعی می‌پراکند و مهر و دوستی را به ارمغان می‌آورد (آمدی، بی‌تا: ۳۷۹/۳)، قرآن، همگان را به این اصل، دعوت کرده و از هرگونه بدگمانی بر حذر داشته است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری گمانها پرهیز کنید که پاره‌ای از آنها گناه‌اند» (حجرات/ ۱۲).

امام علی علیه السلام در این باره که بدگمانی، روابط اجتماعی را بی‌ثبات کرده و زمینه‌ی امنیتی و آرامش را از میان می‌برد می‌فرماید: «بدگمانی امور را تباه می‌کند و آدمی را بر بدیها و می‌دارد» (آمدی، بی‌تا: ۱۳۲/۴).

آن حضرت در جای دیگر فرموده‌اند: «هر کس که بدگمانی بر او چیره شود زمینه‌ای برای صلح و آرامش میان او و هیچ دوستی باقی نمی‌ماند» (همان: ۴۰۶/۵).

۳-۲-۶. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی از جمله اموری است که امنیتی و آرامش لازم را برای جامعه به ارمغان می‌آورد و از بروز ناامنیهای اجتماعی پیشگیری می‌کند، از این‌رو پیشوایان ما، هم به دادگری سفارش کرده‌اند و هم از ناعدالتی بر حذر داشته‌اند؛ چرا که گسترش عدالت در جامعه، آن را از صلح و آرامش برخوردار می‌سازد (آمدی، بی‌تا: ۲۰۶/۳) و روزگار را شیرین می‌کند: «هر کس دارای عدالت زیاد باشد از زندگی و روزگاری ستوده برخوردار خواهد شد» (همان: ۲۹۰/۵).

امام علی علیه السلام در هشدار به بی‌عدالتی، آن را به مرکبی تشبیه کرده است که

سوارة خود را به وادی هلاکت برده و او را در آنجا به زیر می‌اندازد: «راکب الظلم یکبو به مرکبه» (همان: ۸۵/۴).

۴-۲-۶. کار و اشتغال

کار و اشتغال در فرهنگ اسلامی به عنوان امری واجب (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹/۱۰۳) حر عاملی، ۱۴۰۳: ۱۲/۱۲)، عبادت (نوری، ۱۴۰۸: ۱۲/۱۳) و جهاد (کلینی، ۱۴۰۱: ۸۸/۵) به شمار آمده است؛ زیرا کار پیش از آن که یک نیاز اقتصادی باشد نیازی انسانی است و بی‌گمان اگر کار و اشتغال، جدی گرفته نشود بروز ناامنیها مانند اختلافات خانوادگی، تنشهای فامیلی، دخالتهای بیجا در زندگی دیگران، مزاحمتهای ناموسی، قمار، اعتیاد، قاچاق، منزل‌گریزی و مانند آن را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، چرا که هوا و هوس از بیکاری برمی‌خیزد: «من الفراغ تكون الصبوة» (آمدی، بی‌تا: ۱۰/۶).

امام علی علیه السلام در اشاره به گوشه‌ای از پیامدهای بیکاری فرمود: «إن یکن الشغل مجهدة فأتصال الفراغ مفسدة» (شیخ مفید، بی‌تا: ۲۹۸/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۱۹/۷۴) «اگر کار، مایه رنج و زحمت است، تداوم بیکاری موجب فساد و تباهی است».

۳-۳-۶. امنیتی فرهنگی

فرهنگ اسلامی که در هویت بخشیدن به کیان جامعه اسلامی تأثیر بسزا دارد، همواره از سوی دشمن، مورد هجوم بوده و هست. گاهی با مشابه‌سازی دینی مانند ساختن مسجد ضرار (توبه/ ۱۰۷)، بر نیزه کردن قرآن (ابن مزاحم، ۱۴۰۴: ۴۸۰)، برداشتها و قرائتهای مختلف از دین، رواج افراطی‌گری در عزاداریها و دیگر مراسم اسلامی، به جنگ با فرهنگ ناب محمدی قیام می‌کنند و گاه با تضعیف مبانی دینی مانند اباحه‌گری، مرجئه‌محوری و پرهیز از ضوابط دینی در رفتارهای فردی و اجتماعی، سعی در کم‌رنگ نمودن فرهنگ اصیل اسلامی دارند و گاهی با فرهنگ‌سازی و مکتب‌تراشی، امنیتی فرهنگ ما را تهدید می‌کنند. پیدایش وهابی‌گری در حجاز، قادیانی‌گری در هند و پاکستان، بهائیت و بابی‌گری در ایران و تقویت اقلیتهای دینی، نمونه‌های روشن دسیسه‌های دشمن است.

مکتب حیات‌بخش اسلام برای مقاومت‌سازی فرهنگی و حفظ امنیتی آن که امری

بایسته است، راهبردهایی کارآمد، پیشنهاد کرده است. اگر این راهبردها به خوبی عملی گردند، فرهنگهای نوپیدا و وارداتی، پیش از آنکه در جوامع اسلامی نفوذ کرده و به عنوان فرهنگ خودی، خودنمایی کنند، خنثی می گردند و در نتیجه، فرهنگ متعالی اسلام در برابر دسیسه فرهنگهای معارض و بیگانه، مصون می ماند. اسلام محوری، خودباوری فرهنگی، هم سان سازی فرهنگی، شناخت فرهنگهای معارض، کنترل ناهنجاریها و مانند آن، از جمله عوامل مقاوم سازی فرهنگ خودی در برابر فرهنگهای بیگانه است.

۱-۳-۶. خودباوری فرهنگی

خودباوری فرهنگی که به معنای باور به اصالت، غنا، توانایی و کارایی فرهنگ خودی است، زمینه رشد فرهنگ خودی را فراهم می کند. اسلام برای تقویت حس فرهنگ خودی در مردم، هم فرهنگ خودی را برترین فرهنگها معرفی کرده است: «الإسلام یعلو و لایعلی علیه» (حلی، ۱۴۱۳: ۴/۴۱۴؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۷/۸۶)، و هم شائبه هرگونه برتری دیگر فرهنگها را بر فرهنگ اسلامی نفی می کند: «لا شرف أعلی من الإسلام» (وطواط، ۱۳۷۴: ۱۵). بنابراین اگر پیروان اسلام بویژه پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، برتری فرهنگ خودی را باور کنند و این افتخار جاودانه خود را که از طینت پاک امامان نور، آفریده شده اند به یاد بیاورند، هرگز در مقابل فرهنگهای بیگانه، سر تعظیم فرود نمی آورند و فرهنگ تعالی بخش خود را با هیچ فرهنگ ناخوانده ای معامله نمی کنند.

۲-۳-۶. همسان سازی فرهنگی

هرچند اختلاف افکار و اندیشه مردم، همانند صورتهای آنان، امری طبیعی و غیر قابل اجتناب است و نباید توقع داشت که آحاد مردم، فکر و اندیشه یکسان داشته باشند، ولی آنچه از تربیت یافتگان فرهنگ متعالی اسلام، انتظار می رود این است که برای استحکام فرهنگ خودی و حفظ امنیت آن، اختلافات را به حداقل برسانند و از حزب گرایی پرهیزند؛ زیرا به همان اندازه که حزب و فرقه گرایی، زیانبار است، همسان سازی فرهنگی نیز، سودمند و ثمربخش است. آثار همسانی و ناهمسانی فرهنگی را باید در گذشته تاریخ اسلام دید، تا آنگاه که مردم از فرهنگ ناب

محمدی فاصله نگرفته بودند و در میان آنان اختلافی فاحش پدید نیامده بود، فرهنگ اسلامی رو به گسترش بود؛ اما همین که اختلافات فکری منجر به انشعاب معتزله، اشاعره، جبریه، قدریه، مرجئه، صوفیه و مانند آن گردید، حرکت رو به گسترش اسلام متوقف گردید (ر.ک: قربانی، بی تا: ۳۳۳).

فرآن کریم که فرقه گرایی را زمینه ساز سلطه فرعونیان می داند (ر.ک: قصص / ۴)، برای حفظ یکپارچگی فرهنگی، همگان را از تحزب و فرقه گرایی بر حذر داشته، می گوید: این راه مستقیم من است و از آن پیروی کنید و از دیگر راههای انحرافی پرهیز کنید که شما را از راه حق باز می دارد، این همان است که خدا شما را به آن، سفارش کرده است (انعام / ۱۵۲).

۳-۳-۶. حق محوری

امنیت فرهنگی آنگاه تحقق پیدا می کند که انسان، حق را محور قرار داده، به هر چیزی، از دریچه حق نگاه کند؛ زیرا اگر حق محوری در فکر و عقیده انسان تقویت و تثبیت گردد به منزله ایستگاه بازشناسی در مدخل ذهن و فکر آدمی خواهد شد که سبب می شود تا هر چیزی را بدون ریشه عقلی و ناهماهنگ با مبانی فکری و اعتقادی نپذیرد. این مطلب، آن دسته از احادیث اسلامی را تداعی می کند که در پذیرش هر نوع داده های اعتقادی و فرهنگی، قرآن را محور معرفی کرده است؛ یعنی باید پیروان قرآن، هر چیزی را بر قرآن عرضه بدارند تا اگر با آن سازگار باشد بپذیرند و اگر نه، آن را دور انداخته و از آن صرف نظر کنند (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۱۸/۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲/۲۳۴).

بنابراین، بایسته است آدمی نسبت به حق، در مرحله ای از آگاهی باشد تا بتواند فرهنگهای معارض و طرز تفکر دیگران را با محوریت حق محک بزند و فرهنگ ناب اسلامی را از هرگونه التقاطی مصون بدارد. این حقیقت را از حضرت علی (علیه السلام) بشنویم که در پاسخ سؤال چه طور ممکن است افراد سرشناس و باسابقه اسلامی مانند طلحه، زبیر و عایشه بر خطا باشند؟ فرمود:

حق و باطل با قدر و منزلت مردان، شناخته نمی شود، حق را بشناس تا با محوریت آن، پیروان حق را بشناسی و باطل را دریاب که اگر آن را دریافتی پیروان آن را خواهی شناخت (رحمانی همدانی، ۱۴۱۷: ۴۱۵).

۴-۳-۶. شناخت فرهنگهای معارض

از جمله عواملی که در مقاوم سازی فرهنگ خودی و پیشگیری از نفوذ فرهنگهای بیگانه، نقش مؤثری دارد، شناخت کافی و درست فرهنگهای معارض است؛ زیرا دسیسه های فرهنگی دشمن، نوعی جنگ در جبهه ای ناشناخته است و لازم است پیش از هر چیز، دشمن و فرهنگهای معارض را شناخت که دشمن کیست؟ کجاست؟ انگیزه های او در دسیسه های فرهنگی علیه فرهنگ ما چیست؟ چه سلاح و اهرمی را علیه ما به کار می برد؟ عوامل داخلی و خارجی که از او پشتیبانی می کنند چه کسانی هستند؟ و نقاط قوت و ضعف دشمن کدام است؟

بی تردید اگر متولیان امور فرهنگی، بتوانند ضعف فرهنگهای معارض و ابعاد منفی آن را بشناسند و چهره آن را آن گونه که هست به مردم بشناسانند، هیچ فرهنگی در میان تربیت یافتگان فرهنگ محمدی، جایی برای پذیرش نخواهد داشت. خوب است در این باره از خود قرآن بیاموزیم که در تطبیق فرهنگهای بیگانه با فرهنگ خودی می فرماید:

مبادا رفت و آمد کافران در شهرها، شما را دستخوش فریب کند که این، متاعی ناچیز است و قرارگاه آنان دوزخ است که بد قرارگاهی است، ولی کسانی که بروای پروردگارشان، پیشه خود ساخته اند باغهایی خواهند داشت که از زیر [درختان] آن، نهرها روان است، جاودانه در آنجا خواهند ماند، این از جانب خداست و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است (آل عمران / ۱۹۵-۱۹۸).

۴-۶. امنیت اقتصادی

اقتصاد، بنیان زندگی را شکل می دهد و در اخلاق و منشهای رفتاری انسان و نیز در ترقی و انحطاط جامعه تأثیر بسزا دارد، از این رو تحقق امنیت اقتصادی، امری لازم و بایسته است؛ زیرا در پرتو این امنیت است که سرمایه ها، مجرای درست خود را می پیماید و جذب بازار کار و تولید می گردد و افراد جامعه، با یافتن شغل مناسب از راه درست و مشروع، نیازمندیهای خود را تأمین می کنند؛ اما اگر این سیستم، در جامعه، ناامن گردد و نظم جامعه فرو ریزد، آثاری زیانبار بروز خواهد کرد. بی رغبتی به سرمایه گذاری، شغل های کاذب، وفور کالاهای قاچاق، فقر و بیکاری،

تکذبی گری، سرقت و مانند آن، نمونه هایی از آثار زیانبار ناامنی اقتصادی است. از طرف دیگر، ناامنی موجب می شود که بخشی از درآمدها از چرخه تولید و بهره وری خارج شود و در موارد غیر اقتصادی هدر رود. استخدام نگهبانان و شبگردها، تهیه گاوصندوقها، نصب دزدگیرها، نصب انواع حفاظها، سیمهای خاردار، دیوارکشی و مانند آن، نمونه هایی از موارد غیر ضروری و غیر اقتصادی است که بخشی از درآمدهای مردم را به خود اختصاص می دهد.

قرآن کریم از آن رو که در نگرش واقع گرای خود، افزون بر زندگی معنوی، به زندگی مادی مردم نیز توجه دارد (ر.ک: قصص / ۷۷). برای تقویت امنیت اقتصادی در نظام اسلامی، راهکارهای کارآمد ارائه کرده است تا با اجرای آنها، امنیتی ژرف و ماندگار در بعد اقتصادی برقرار گردد.

پذیرش اصل مالکیت - مالکیت عمومی (انفال / ۱؛ حشر / ۶ و ۷) و خصوصی (ر.ک: بقره / ۱۸۰؛ نساء / ۷؛ کهف / ۸۲) - ضرورت ثبت قراردادها (بقره / ۲۸۲)، کار و کوشش (کلینی، ۱۴۰۱: ۸۸/۵؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۳/۴۶۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۳۸/۱۲)، پیشگیری از شیوه های نادرست افزایش ثروت مانند مبارزه با ربا (ر.ک: آل عمران / ۱۳۰؛ نساء / ۱۶۰)، احتکار (نوری، ۱۴۰۸: ۳۷/۱۲)، کم فروشی و گران فروشی (ر.ک: انعام / ۱۵۲؛ هود / ۸۵؛ مطفین / ۱ و ۲)، استثمار و بهره کشی (نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۲۲)، زراندوزی (ر.ک: توبه / ۳۴؛ همزه / ۳ و ۴)، افزون خواهی (ر.ک: تکوین / ۱ و ۲)، حرام خوری (ر.ک: بقره / ۱۸۸؛ نساء / ۲۹) و نیز نهی از به کارگیری کالاهای بیگانگان (برقی، بی تا: ۱۷۸/۲) و مانند آن، نمونه هایی از راهکارهای اسلام برای پیشگیری از ناامنیها و آسیبهای اقتصادی است.

۵-۶. امنیت سیاسی

سخن از امنیت سیاسی، ضرورت دولت و حکومت را تداعی می کند؛ زیرا دولت است که می تواند با مبارزه با فتنه جویان امنیت ستیز و فرو نشاندن باغیان امنیت گریز، تهدیدها را دفع کند و راهکارهای امنیت آفرین را مانند ظلم ستیزی، قانونمند ساختن جامعه و اجرای حدود بر پایه عدالت، به اجرا گذارد. امنیت سیاسی را می توان در دو حوزه امنیت داخلی و خارجی به بحث گذاشت.

۱-۵-۶. امنیت داخلی

امنیت در حوزه داخلی به این معنی است که نه دولت، آسایش و آرامش مردم را سلب کند و نه خود از سوی توده‌های مردمی تهدید شود. حفظ امنیت و آرامش دو سویه مبتنی بر اصولی است که در صورت اجرای آنها، هم امنیت مردم حفظ می‌گردد و هم دولت از بروز هر نوع تهدیدی از سوی مردم در امان خواهد بود.

یکی از اصول مؤثر در حفظ امنیت سیاسی داخلی، رعایت حقوق متقابل دولت و مردم است که اگر این حقوق، محترم شمرده شود امنیتی فراگیر برقرار گشته و همه از آن برخوردار می‌گردند.

سخن امام علی علیه السلام که برپایی عدالت را خاستگاه امنیت و ناعدالتی را سرچشمه بروز ناامنی معرفی کرده، در این باره سخنی جامع است:

بزرگترین حقها حق والی بر رعیت و حق رعیت بر والی است که خدای سبحان آن را واجب نموده، و حق هر یک را بر عهده دیگری وانهاده است... پس چون رعیت حق والی را بگزارد و والی حق رعیت را به جای آورد، حق میان آنان بزرگ مقدار، راههای دین پدیدار، نشانه‌های عدالت بر جا و سنت، چنانکه باید اجرا شود، پس کار زمانه آراسته گردد و مردم در پایداری دولت امیدوار شوند و دشمن در آرزوهایش مأیوس شود، و اگر رعیت بر والی چیره شود و با والی بر مردم ستم کند وحدت کلمه از میان رود، نشانه‌های جور آشکار و تبهکاری در دین بسیار شود (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

ظلم‌زدایی و برپایی عدالت (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴)، رعایت حقوق متقابل حاکم و مردم (همان: خطبه ۲۱۶)، شایسته‌سالاری (ر.ک: قصص / ۲۶)، مسؤولیت‌شناسی و مسؤولیت‌پذیری (نساء / ۵۹)، مشارکت مردم در فعالیتهای سیاسی (مائده / ۲)، پیروی از رهبری (نساء / ۵۹)، نظارت بر مدیران و کارگزاران (نهج البلاغه، نامه‌های ۵۳ و ۶۰)، برخورد قاطع با امنیت‌ستیزان (بقره / ۱۹۳: نجفی، ۱۳۶۶: ۲۱/۳۲۲) و مانند آن (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۲/۳۱)؛ موسوی کاشمری، ۱۳۷۲/۲۴)؛ از عوامل حفظ امنیت سیاسی در حوزه امنیت داخلی است.

۲-۵-۶. امنیت خارجی

امنیت در حوزه سیاست خارجی، به این معنی است که ملت و دولت اسلامی نباید از

سوی قدرتهای بیگانه تهدید شوند و از امنیت و آرامش که حق طبیعی آنهاست محروم گردند. مکتب اسلام، برای حفظ امنیت در این حوزه، اصول و راهکارهای کارآمدی پیش‌بینی کرده است که اگر این راهکارها اجرا شود امنیت دولت و امت اسلامی حفظ می‌گردد.

نخستین اصلی که در حوزه سیاست خارجی مطرح است، مسئله نفی پذیرش سلطه بیگانگان است که به هیچ روی پذیرفتنی نیست. آیینی که سرآمد همه ادیان بوده (حلی، ۱۳۱۳: ۴/۴۱۴؛ نوری، ۱۴۰۸: ۱۷/۸۶) و هیچ آیینی بر آن برتری ندارد (وطواط، ۱۳۷۴: ۱۵) چگونه می‌تواند پذیرای سلطه مرام بی‌دینی باشد؟ و پیروان آن که برترین مردمند (آل عمران / ۱۱۰) چگونه می‌توانند شاهد فرمانروایی بیگانگان بر خود باشند؟ منبع این اصل، این آیه است که فرمود: لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سِيلًا (نساء / ۱۲۱)؛ «خداوند هرگز راهی را برای سلطه کافران بر مؤمنان قرار نداده است».

دشمن‌شناسی و هوشیاری در برخورد با دشمن (ر.ک: مائده / ۴۴: ممتحنه / ۱)، حسن روابط و تقویت دیپلماسی، تفاهم و صلح‌گرایی (ر.ک: آل عمران / ۶۴: نهج البلاغه، نامه ۵۳)، حل مناقشات بین‌المللی، پایبندی به قراردادهای و مانند آن از جمله اصول و دیگر راهکارهایی هستند که برای حفظ امنیت سیاسی در حوزه امنیت خارجی پیشنهاد گردیده‌اند (ر.ک: شیخ مفید، بی‌تا: ۱۱۱/۱: توبه / ۴: عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۳/۳۲۷).

۳-۵-۶. امنیت مرزها

امنیت در بخشهای پیش‌گفته، امری بایسته و امنیت مرزها، امری بایسته‌تر است؛ زیرا امنیت در دیگر عرصه‌های زندگی، در صورتی پا می‌گیرد و تداوم می‌یابد که مرزهای کشور اسلامی در امنیت باشد و از سوی بیگانگان تهدید نگردد؛ از این رو پیش از هر چیز، لازم است مرزها و نیروی مسلح به لحاظ بسیج نیروی انسانی (ر.ک: ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۲: ۳/۱۸۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۱۳/۳۴۵)، تقویت روحیه دفاعی (انفال / ۴۵ و

۱. روابط پیامبر اکرم با نجاشی، حاکم یمامه، مردم عمان، یمن، اسقف روم، نجران، حاکم بحرین و حمیر دلیل بر حسن روابط با دیگران است (ر.ک: احمدی میانجی، ۱۹۹۸: ۱۱۷-۱۱۵).

۶۵)، تجهیز به جنگ افزارهای مدرن (ر.ک: انفال / ۶۰؛ کلینی، ۱۴۰۱: ۲۸/۵؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۴۲/۶)، دشمن شناسی و کسب اطلاعات کافی (سپهر، ۱۳۵۷: ۱۳۲/۱-۱۴۵-۱۴۳/۱؛ ابن هشام، ۱۴۰۹: ۱۸۲/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۸/۲) تقویت گردد تا بتوان با استفاده از توانمندیهای نظامی، هرگونه تهدیدی را دفع کرد و امنیت لازم را برقرار ساخت.

یکی از منابع مؤثر در حفظ امنیت مرزها، تهیه و تدارک جنگ افزارهای لازم و مدرن است. اگر در صدر اسلام با استفاده از آیه «و أعدوا لهم ما استطعتم من قوة...» (انفال/ ۴۵ و ۶۵) به تهیه و ساخت شمشیر، زره، سیر، کلاه خود و نیز به ساخت منجنیق و استفاده از آن (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۱: ۲۸/۵؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۳۲/۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۴۶/۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳) و حتی به حفر خندق در جنگ احزاب (ر.ک: عسکری، ۱۴۰۳: ۱۸۷/۳؛ نمازی، ۱۴۰۹: ۲۱۹/۳؛ ابن سعد، بی تا: ۶۶/۲) پرداختند، امروزه نیز برای حفظ امنیت کیان ملت اسلامی و مرزهای کشور، با استفاده از آیه یادشده، هر نوع تکنولوژی کارآمد را که در دفاع از حریم ملت، دولت و آب و خاک لازم است باید ساخت و تهیه کرد و با استفاده به موقع از آن، هرگونه تهدید دشمن را دفع کرد و امنیت مرزهای کشور اسلامی را حفظ کرد.

مطلبی که در پایان این بخش از امنیت، لازم به یادآوری است، مسئله آسیب شناسی امنیت نظامی است که آن نیز از نگاه قرآن، دور نمانده است و در این زمینه، بروز اختلاف میان مجاهدان (ر.ک: صف/ ۴؛ آل عمران/ ۱۵۲)، غرور (توبه/ ۲۵)، شایعه پراکنی (آل عمران/ ۱۴۴؛ ابن هشام، ۱۴۰۹: ۳۶/۳) و جهادگریزی از ترس مرگ (احزاب/ ۱۹) یا از روی دل بستگی مادی به دنیا یا عاطفی به فرزندان (توبه/ ۳۸؛ فتح/ ۱۱) را از جمله این آسیبها شمرده است.

۷. منابع امنیتی

امنیت، پدیده ای است که استواری آن نیازمند منابعی چند است. اگر این پدیده، از منابع کافی برخوردار باشد تعمیق و تحکیم می یابد و در غیر این صورت، از استواری چندانی برخوردار نخواهد بود. خوشبختانه، امنیت در مکتب اسلام از منابع خوبی برخوردار است.

۱-۷. ایمان

ایمان از زمره منابع امنیت زاست، آنگاه که ایمان فراگیر شود و افراد، از ایمانی محکم برخوردار گردند، نه امنیت فردی و شخصیتی مردم تهدید می شود و نه امنیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به خطر می افتد؛ چرا که ایمان عاملی بازدارنده از هرگونه تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی است. رسول گرامی اسلام ﷺ در این باره که چرا مؤمن، مؤمن نام گرفت؟ فرمود: این بدان روست که جان و مال مردم از او در امان است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۰/۶۷). امام علی علیه السلام نیز در توصیف پارسایان فرمود: «و شروهم مأمونه» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴)؛ «دیگران از شر مؤمنان ایمنند».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی فرمود: «لا یزنی الزانی و هو مؤمن و لایسرق السارق و هو مؤمن» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۳/۶۹) «تا آنگاه که انسان، مؤمن است نه دامن به زنا می آید و نه دست به سرقت دراز می کند».

۲-۷. تشکیل حکومت

حکومت و قدرت مرکزی یکی دیگر از منابع امنیت است که در ایجاد و تحکیم امنیت نقشی بسزا دارد. با پشتوانه این قدرت است که می توان با متخلفان قانون گریز و سرکشان امنیت ستیز به ستیز برخاست و آنان را که تهدیدی جدی علیه امنیت به حساب می آیند، از دامن زدن به ناامنیها باز داشت.

درست به همین دلیل است که قرآن کریم آنگاه که از سازماندهی حکومت الهی توسط پیامبران سخن به میان آورده است، قسط و عدالت را که تجلی آسایش و امنیت لازم است به عنوان هدف تشکیل حکومت ذکر کرده است: «پیامبران خود را با دلایلی روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو فرود آوردیم تا مردم به قسط و عدالت برخیزند» (حدید/ ۲۵).

جالب آن که، چون اجرای عدالت و برقراری امنیت، بدون سلاح امکان پذیر نیست، «لایقیم الناس إلا السیف» (کلینی، ۱۴۰۱: ۲/۵) قرآن در ذیل آیه یادشده، به آهن که منبع تأمین سلاح است اشاره کرده می گوید: «و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت است پدید آوردیم» (حدید/ ۲۵).

امام علی علیه السلام در تأیید این مطلب که منظور از «حدید» در این آیه، وسیله دفاع از عدالت است، آن را به سلاح تفسیر کرده است (ر.ک: حویزی، ۱۳۷۰: ۲۸۲/۷).

فخر رازی در ذیل آیه یادشده، اجرای عدالت و تأمین امنیت را وامدار قدرت مرکزی دانسته، می گوید:

بدین سان که دولت، بدون بهره گیری از سلاح، در حفظ جان و مال مردم، ناکام و ناتوان است، خداوند عالمیان، آهن را در اختیار بشر قرار داد تا با استفاده از آن، تهدیدهای دشمن را دفع کند و امنیت را به جامعه برگرداند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۴۲/۲۹).

امام علی علیه السلام در ضرورت برخورداری جوامع بشری از دولتی نیرومند به منظور برخورداری از امنیت لازم، فرمود:

مردم، ناگزیر از زمامداری نیک رفتار یا بدکردارند... تا به وسیله او مالیات گرد آید، جهاد علیه دشمنان، رهبری شود، راهها امن گردد، حق ناتوان از زورمندان ستانده شود، بندگان نیکوکار در آسایش به سر برند و از شر بدکاران ایمن باشند (نهج البلاغه، خطبه ۴۰).

آن حضرت در جایی دیگر در اشاره به فلسفه کشمکشهای سیاسی، پذیرش خلافت و تشکیل حکومت، امنیت را به عنوان هدف این کشمکشها دانسته می فرماید:

بارخدا یا! تو آگاهی، آنچه از ما صادر شد نه برای میل به قدرت و سلطنت بود و نه برای به دست آوردن چیزی از متاع دنیا، بلکه برای این بود که خواستیم آثار و نشانه های دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم و در سرزمینهای تو اصلاح و آسایش را ظاهر سازیم تا بندگان ستمدیده ات در امنیت و آسایش به سر برند و احکام و مقررات فراموش گشته ات به اجرا در آید (همان: خطبه ۱۳۱).

۳-۷. قانون و قاطعیت در اجرای آن

یکی دیگر از منابع امنیت وجود قانون و اجرای آن است. قانون نظم و امنیت را برقرار ساخته، آرامش و سلامت را در جامعه تضمین می کند و از حقوق فردی و اجتماعی افراد حراست می کند. سخن امام صادق علیه السلام گواه این مطلب است که فرمود: «حدی که در زمین اجرا شود پاکیزه تر از باران چهل شبانه روز است» (کلینی، ۱۴۰۱: ۱۷۴/۷، شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ۱۰/۱۴۶).

ناگفته پیداست، این هدف در صورتی تأمین می گردد که هم، قانونی متقن و فراگیر بر جامعه حاکم باشد و هم، آنچه در قانون پیش بینی شده است با دقت و قاطعیت و بی هیچ اغماضی اجرا شود؛ زیرا اگر قانون، سست و بی پایه باشد و یا در اجرا با سستی و عدم قاطعیت روبرو شود ارزش و کاربرد خود را از دست خواهد داد و به الفاظ بی روح و بی خاصیت تبدیل خواهد شد و نه تنها سلامت جامعه را تضمین نمی کند که به ایجاد هرج و مرج و ناامنی در جامعه می انجامد.

امام علی علیه السلام در این باره که نباید قانون الهی تعطیل بماند و یا در اجرای آن تأخیر شود فرمود:

خدایا... تو بودی که در خبر دادن از دین خود، به پیامبرت فرمودی: ای محمد! کسی که حدی از حدود مرا تعطیل کند در حقیقت با من دشمنی کرده و به واسطه این کار خواستار ضدیت با من شده است (برقی، بی تا: ۳۱۰/۲، نراقی، ۱۴۰۸: ۱۹۷).

۴-۷. وحدت و برادری

از منابع مهم امنیت، وحدت ملی است؛ زیرا مردم، در جامعه ای که از وحدت ملی برخوردار باشد، هم با خود و هم با نظام سیاسی حاکم بر کشور، احساس همبستگی بیشتر می کنند و به موقع، در دفاع از مصالح و منافع عمومی، واکنش نشان داده و تهدیدها را دفع می کنند و در نتیجه از امنیت که حق طبیعی هر جامعه است برخوردار می گردند، تاریخ نیز نشان داده است که قدرت دفاعی یک ملت، در برابر هرگونه تهدیدی، با وحدت ملی آنها رابطه نزدیک و تنگاتنگ دارد. نمونه عینی و تاریخی این واقعیت، جامعه صدر اسلام است. آنگاه که وحدت از آن جامعه رخت برسته بود، حالت مرگبار ناامنی بر جامعه حاکم بود که هیچ کس در درون آن جامعه، امنیت نداشت، اما آنگاه که با وزیدن روح ایمان، وحدت به جامعه برگشت، نه تنها امنیت داخلی آنها حفظ شد که امنیت مرزهای آنها نیز تأمین گشت (ر.ک: آل عمران/ ۱۰۳).

امام حسن علیه السلام در ضرورت وحدت و یکدلی، به منظور دستیابی به امنیت لازم فرمود: «هرگز گروهی در کاری، یکدست و متحد نشوند مگر آنکه کارشان قوت یابد و پیوندشان استوار گردد...» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۱۸۵/۳).

در هر نظام و جامعه‌ای که وحدت ملی آن، دستخوش تزلزل شود تمامیت و امنیت آن، مختل گشته و حالت مرگبار ناامنی بر آن جامعه مستولی می‌گردد. امام علی علیه السلام در هشدار به اختلاف و دوگانگی در جامعه می‌فرماید:

به فرجام کار آنها بنگرید آنگاه که در میانشان جدایی افتاد و رشته الفت از هم گسست و دل‌هایشان از هم جدا گشت، دسته دسته شده و به جان هم افتادند، در این هنگام بود که خداوند، جامعه کرامت را از تن آنان برکند و نعمت‌هایشان را گرفت و داستان سرگذشت آنان در میان شما مانند تا درس عبرتی برای عبرت آموزان باشد *(نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)*.

۵-۷. بالا بردن فرهنگ عمومی مردم

از جمله منابعی که در رشد افراد و جامعه نقش بسزا داشته و جامعه را از نظم و امنیت لازم برخوردار می‌سازد، بالا بودن فرهنگ عمومی است؛ از این رو لازم است با سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی جدی در امر تقویت فرهنگ عمومی گام‌های بلندی برداشت؛ زیرا همانطور که در خصوص سلامت جسم، بهداشت و پیشگیری مقدم بر درمان است در خصوص سلامت جامعه و برقراری امنیت نیز، فرهنگ مقدم بر اجرای قانون است، چرا که اجرای قانون، تنها ظاهر جامعه را پاک نگه می‌دارد، در حالی که فرهنگ پویا، سلامت ظاهر و باطن جامعه را تضمین می‌کند.

درست به همین دلیل لازم است، پیش از اجرای قانون، هم به مردم آگاهی داد و هم به گسترش اخلاق اسلامی، مت‌گمارد؛ زیرا کسی که بداند امنیت حق طبیعی هر انسان است و نیز بداند که سلب این حق از مردم، در پیشگاه خدا گناهی بزرگ و نابخشودنی است، کمتر به ناامنیها دامن می‌زند و کمتر افراد را از حق مسلم خود محروم می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اشاره به بزرگی گناه سلب امنیت، فرمود: «هیچ فردی از مسلمانان را ترسانید، چرا که ترساندن مسلمان ظلمی بزرگ است» *(هیشمی، ۱۴۰۸: ۲۵۳/۶؛ سیوطی، ۱۴۰۱: ۷۳۲/۲)*.

امام علی علیه السلام نیز در این باره فرمود: «هر کس به این دلیل که مؤمنی را بترساند به او نگاه کند، خداوند در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه او نیست، او را خواهد ترساند» *(شهید ثانی، بی‌تا: ۳۳۱؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۴۸/۱۲)*.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، *فرر الحکم و درر الکلم*، شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، تصحیح و تعلیق سیدجلال‌الدین محدث، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۴. ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۸ ش.
۵. ابن ابی‌جمهور الاحسایی، *عوالی اللئالی*، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۳ ق.
۶. ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار صادر، بی‌تا.
۷. ابن مزاحم المقرئ، *رقعة صفین*، چاپ دوم، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۸. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد، *لسان العرب*، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۹. ابن هشام، *السیرة النبویه*، چاپ دوم، قم، دار الکتب العربیه، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. احمد میانجی، علی، *مکاتیب الرسول*، قم، دار الحدیث، ۱۹۹۸ م.
۱۱. اردبیلی، احمد (محقق اردبیلی)، *مجمع الفائدة و البرهان*، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. اعلمی، محمدحسین، *دائرة المعارف الشيعة العامة*، چاپ دوم، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۱۳ ق.
۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، دار الکتب الاسلامیه، بی‌تا.
۱۴. پرتو، ابوالقاسم، *واژه‌یاب*، بی‌تا.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشيعة الى تحصیل مسائل الشریعه*، چاپ پنجم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. حلی، ابومنصور حسن بن یوسف (علامه حلی)، *مختلف الشیعه*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. حویزی، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۰ ش.
۱۸. خزائلی، محمد، *احلام القرآن*، چاپ چهارم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱ ش.
۱۹. خوبی، سید ابوالقاسم، *مصباح الفقاهة فی المعاملات*، بیروت، دار الهادی، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲۱. دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه*، تهران، ۱۳۳۰ ش.
۲۲. راغب، ابوالقاسم حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دار المعرفه، بیروت، بی‌تا.
۲۳. رحمانی همدانی، احمد، *الامام علی، المنیر*، ۱۴۱۷ ق.
۲۴. سهر، عباسقلی خان، *تاسخ التواریخ حضرت رسول صلی الله علیه و آله*، تهران، اسلامی، ۱۳۵۷ ش.
۲۵. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
۲۶. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی جمعی عاملی، *رسائل شهید ثانی*، قم، نشر بصیرتی، بی‌تا.
۲۷. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام*، چاپ چهارم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۲۸. شیخ مفید، محمد بن نعمان، *الارشاد، علمیه اسلامیة*، بی‌تا.
۲۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جامعه مدرسین، بی‌تا.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۳۱. عسگری، سیدمرتضی، *معالم المدرستین*، چاپ دوم، قم، البیته، ۱۴۰۸ ق.
۳۲. عمید زنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۷ ش.
۳۳. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹ ش.

۳۴. فخر رازی، التفسیر الکبیر، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳۵. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۸۷ ق.
۳۶. قربانی، زین العابدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
۳۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ سوم، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۱ ق.
۳۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳۹. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، ۱۳۶۰ ش.
۴۰. موسوی کاشمیری، سیدمهدی، جایگاه امنیت در نظام اسلامی، حکومت اسلامی، شماره ۲۴.
۴۱. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۴۲. نراقی، احمد، عوائد الایام، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۴۰۸ ق.
۴۳. نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، قم، البعث، ۱۴۰۹ ق.
۴۴. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، چاپ دوم، بیروت، آل البیت، ۱۴۰۸ ق.
۴۵. نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه علوم پزشکی ایران، اسلام و بهداشت روان.
۴۶. وطواط، رشیدالدین محمد، مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب، تصحیح و تعلیق محمود عابدی، ۱۳۷۴ ش.
۴۷. هبشی، نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.